

صاحب امتیاز  
و مدیر مسئول  
دکتر اسمعیل  
اردلان.

# کوشش نامتلفیقی

بهیچ حزب  
دسته یا جمعیتی  
بستگی ندارد

تک شماره ۴ ریال

شنبه ۱۵ بهمن ۱۳۳۴

سال اول - شماره ۵۵

## ((سیاست زبان))

o-o-o-o-o-o-o

آقای اقبال برای اینکه زبان کردی و لاهی‌ای معرفی کرده و در طبقه بندی «سیاست زبان» خود دچار زحمت نشود مرقوم فرموده اند:

«در البته ولجاتی که در ایران معمول است و هر کدام مدعی کم و بیش متکلم دارند یک وجهه لهجه های ایرانی مثل طبری و گیلکی و لری و کردی و غیره رفته دیگر زبان های غیر ایرانی است یعنی هر بیوترکی»

لهجه های رفته اول چون هیچکدام ادبیات منبری ندارند و هیچگاه بیژبانی دولت مقتدری بوده امروز هم در خارج از مرزهای ایران دولتی مقتدریست که یکی آن لهجه ها زبان رسمی او باشد دولت سیاست خاصی نسبت بآنها نمیتواند داشته باشد ...»

جای بسی تأسف است وقتی که یکی از دانشمندان کشور قلم بدست گرفته میفرماید در یک مسئله مهم راهنمایی کند از منکر شدن بدیباخت شروع کند و در موضوع روشنی مانند ادبیات کرد مثل یک شخص بی اطلاع اظهار نظر نماید. برای اعتبار ادبیات و زبان کرد مدارک بسیار است، تواریخ، دواوین و کتب مختلفه زیاد است ولی برای اینکه زحمت نگارنده محترم زیاد نشود، که کتب را در گنجینه های «مهر» جستجو نمایند از ایشان تقاضا میکنیم شماره گذشته روزنامه ما همین شماره، به ترجمه «بررسی دو شعر و ادیلت کردی» که نویسنده آن پکنفرز فرانسوی و احتیاجاً از طرف است (برای نیبتون گفت دومی استقلال کرد داشته است) نظر آنکنده نامتفاهد شوند که ادبیات کرد اقلاً اعتبار کوچکی دارد.

اما اینکه «دولت سیاست خاصی نسبت به آن نمیتواند داشته باشد»، بقیه ما این اظهار نظر زبان آور تر از منکر بودن ادبیات کرد است و بالعکس ما منتقدیم که دولت باید در این مورد سیاست خاصی داشته باشد. سیاستی داشته باشد که با

«سیاست زبان» عنوان سرمقاله شماره ششم مجله یادگار است که بقلم آقای اقبال نگارش یافته و روزنامه اطلاعات از لحاظ آنکه «یک بحث باخلاق» درباره یکی از مهم ترین موضوعهای روز است «آنرا در شماره ۵۹۷۰ روز ۳۰ شهریور ۱۳۳۴ هم بهین ماه خود نقل نمودیم. ما نیز همان عنوان را برای سرمقاله خود انتخاب نموده و در ذیل آن، نکاتی را که بر آقای اقبال پوشیده بوده و بنا بر خود پوشیده داشته اند در اینجا ذکر میکنیم و امیدواریم آنرا در راهنمایی های آینده خود مورد توجه قرار دهند.

امروز در یک قسمت از این سیاست زبان صحبت میکنیم و آن قسمتی است که به صورت مربوط می باشد و علت توضیح ما نیز این است که آقای اقبال در مقاله خود در قسمتی که مربوط بگرد است، حق مطلب را ادا نکرده اند شاید ایشان از روی غلظه و اثری که برادران کرد ایرانی خود داشته اند لغوات اند موضوع آنطور که شایسته بود شکفته و با شاید اگر بیشتر در مطلب وارد میشدند ناچار برای آنها هم مانند برادران آذربایجانی که در هفت ترک و (با آن علت که بهتر میدانند و سهل تر تکلم میکنند) بزبان فارسی ترجمه میدهند و یوا مانند «تکلمین جریسی در خوزستان و بحرین و جزایر خلیج» حتی لال می شدند و موافقت می نمودند که بآنها اجازه دهند «در مدارس تاسلی سین زبان محلی خود را به اطفال خویش بیاموزند».

نگارنده محترم آن مقاله «سیاست زبان» و سایر خوانندگان ارجمند میتوانند اطمینان داشته باشند که نگارنده این سطور کسی است که اگر از آنها ایرانی خالص تر و پاک تر نیاند قطعا ناپاک تر نیست و همین اصل است که اجازه میدهم آن نکات نامرئی مقاله آقای اقبال را در اینجا آنگار سازم.

چشم باز، با بررسی کامل اطراف و جوانب و با اطلاع از جریان روز مره وقایع پیش گرفته شود.

امروز در قسمت نهمی ایران عده زیادی بزبان کردی تکلم میکنند. باین زبان علاقه دارند، شاید این علاقه هم بعثت فشار های زیاد، برای محدود نمودن آن تشدید شده باشد. شما با هیچ قدرتی نمیتوانید این علاقه را از آنها سلب کنید. آن شاعری که یک کردی شعر میگوید اگر بکنج زندان افکنده شود معظالم شما را بصورت شعر در میآورد، اگر پای داریش ببرد مرکز را با یک بیت شعر کردی استقبال میکند.

شما فراموش نکنید که در آن طرف سرحدات نهمی ایران ما هم مردمانی هستند که از هر جهت با این مرز نشینان نهمی هم خون، هم نژاد و هم زیاده. آنها هم کردها و حتی عده ای از آن ها از افراد یک خانواده - یک ایل یا یک قبیله اند. این ها هیچ وجه جدائی ندارند، بلکه ندیده هم بیکدیگر رادوست دارند و هم دیگر را برادر میدانند. آنها با بظاهر تابع دول دیگرند و بنام اهل مملکت یا ممالک دیگری خوانده میشوند ولی در باطن کردها هستند و خون کرد در هر و تشان در حرکت است.

یک کرد ترکیه خود را ترک نمیداند، یک کرد عراقی خود را عراقی نمیداند اگر بفرساید کجائی هستی یا خواهد گشت کرد و با خواهد گشت کرد ترکیه، کرد عراقی. ولی اگر از یک کرد ایرانی همان سؤال را بکنید به شما جواب خواهد داد ایرانی.

این است آن نکته ای که شما، آقای اقبال و بسیاری (اگر نگویم همه) روشنفکران و سیاستمداران ایران نمیدانند و از همین نکته سکوت است، آقای اقبال اگر شما وطن پرست و ایران دوست باشید میتواند استفاده کنید.

چسبیدن به اینکه، کردی لهجه است، مشتق از فارسی است ادبیات منبری ندارد و... حرف های گودکانه است و آنها بیکه بندهم شما و امثال ما بیچاره هارا باز بچه قرار داده اند باین بی اطلاعی و با جبن ما میخندند، این حرف های بچه گانه لبر برای پر کردن صفحات روزنامه و مجله و لبر برای دلخوش کردن و یا بهتر بگویم فریب دادن شما، بدان، بدرد دیگر نیفورد.

باید جبن را کنار گذاشت، باید حقیقت را گفت اگر چه ناخ باشد، زیرا تا راست ندویم راه صحیح را نخواهیم جست. از دوس، منترسیم، از انگلیس، منترسیم، از امریکا، منترسیم از ترکیه و عراق هم منترسیم و از خودمان هم منترسیم پس دیگر برای چه زنده هستیم؟

چرا باید همیشه فکر کوچک داشته باشیم؟ چرا همه اش منترسیم مبادا کردستان از دست ما برود و از ترس عباراتی امثال، «یکمده، محقق نمای مفرض که در راه تملیس و تدویر حقایق تاریخی میکوشند و مدعیند کردولرمانتی مخصوص و با ایرانیان از جهت رادستاور و غیر ذلک» اذعان برادران کرد ما را مشوب کنند و در راه وصول بقامه شومی که دارند از این راهگذریم مشکلاتی سیاسی برای ما ایجاد نمایند» برشته تحریر در آوریم.

چرا نگویم: ما باید ایران بزرگ را بیا کنیم  
بقیه در صفحه ۸

خبرهای کشور

اقدامات نخست وزیر

پس از صدور فرمان استعفت وزیري آقای توأم السلطنه اقدامات اساسی خود را برای برقراری مذاکرات مستقیم با دولت شوروی آغاز نمودند و با نظر گرفتن نتیجه مذاکرات روز چهارشنبه شورای امنیت بروی مذاکرات در مسکو و تهران آغاز خواهد گردید.

آقای توأم السلطنه هنوز راجع بکابینه خود تصمیمی اتخاذ ننموده و نام کابینه اشخاص را که برای شرکت در کابینه ایشان برده میشود نمیتوان مبنی بر اساس درستی دانست.

تنگرانی آقای توأم السلطنه به وزیرالسیاسه استالین و مستشاران و مترجمین و جواب های رسیده رضایتبخش و موجب امیدواری معانین مضاعف است.

نایبند کسانی که آقای توأم الی داده بودند در جواب بیستامیکه از طرف نخست وزیر پانها داده شده بود شروط موافقت خود را بشرح ذیل اعلام داشته بودند:

- ۱- تحقیق طرح قضیه ایران در شورای امنیت سازمان ملل متفق
- ۲- اقدام فوری دولت برای خروج نیروهای بیگانه و استقرار امنیت در شمال ایران و تئوبت ارتش
- ۳- بقای قانون تحریم انتخابات
- ۴- تأمین مسئله امنیت توران

دولت در نظر دارد يك هیت نایبندگی عالی تعیین و مسکو اعلام دارد در این هفته جلسات علنی مجلس تشکیل شده ولی فعالیت نایبندگان در اطراف دولت زیاد است

اخبار گوناگون

تعمیل گسترده راه آهن که در دست مأمورین شوروی بود در این هفته انجام شد.

آقای باسکروان بست وزیر مختار ایران در ایتالیا انتخاب و اگرمان ایشان هم واصل گردیده است.

آقای بدرالهدین شهباشی ریاست اداره کل کارخانه های واگذاری معین شده اند.

آقای باقر پیر لیا بست معاون پیشکاری دارائی استان لاهور خراسان منصوب شده اند.

برف فوق العاده ای هفته گذشته بارید که قریب ۲۵ سانتیمتر بر زمین نشست علاوه بر اینکه در شهر تهران هوای سرد و در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه تشکیل نمود اغلب جاده های مملکت را مسدود نموده است.

اخبار شهرستانها

ازسندج

از ۹۵ نفر کاندید انتخابات نمایان رضا آصف با ۱۹۳ رای - آقای حاجی عبد محمد شیخ الاسلامی ۹۳۳ رای - آقای عباس آزاد بود ۷۶۴ رای - آقای

آبشاه ۲۵۱ - آقای حاج شیر دیوان ۲۴۲ و آقای وکیل السلطان ۲۱۶ رای اکثریت گردیده اند.

از کرمانشاه

دو روز بعد از وصول تلگراف مرکز شش نفر از طرف استان از طبق ۱۱۰۰ قانون دعوت شدند. با چهار نفر از این اشخاص اکثریت روشنفکران و حزب توده سمت مخالف بودند. زمام حزب توده در مجامع سخنرانی های مفصلی بر علیه این انتخاب بودند.

خوشبختانه آقایان هم که پنج نفر آنها در اول انتخاب شدن بودند از اول حلیم در دیکه افتاد. ۹۷ نفره بر خلاف ماده ۱۸ و ۱۹ صادر نمودند. معروض بود هم هر قدر تکاپو شد تعدادی از متره های که خطمادر شده بود بدست نیامد تا گریز رئیس انجمن تمطیل انتخابات را اعلان و روز بیستم استعفا کرده چند روز بعد دو استناداری قریب ۳۰ نفر از وجوه احزاب راهالی دعوت شدند که بجای عضویت می گفتند بر گردیده شود.

بعد از دو جلسه تبادل مذاکرات تصمیم اتخاذ شد دو نفر از افراد حزب توده انتخاب شوند آقای منشی ابوالعالی فوراً استعفا کرد تا از این جهت برای استناد اراکالی پیش نیاید. تا امروز هنوز دو نفر عضو حزب توده معرفی نشده اند که احکام آنها صادر شود. در همین صورت چون اعضاء انجمن معرأ کاندید عضویت را چنین انتخاب کرده اند اهالی حسن اعتمادی با عطاء انجمن نظارت ندارند.

از سقز

چندی است آقای امیر اولادان به کفالت بختداری منصوب و آقای زید شاهی بختدار به سنج رفک است.

وضع اداره اقتصاد هائطور هر چه مرجع رویه سابق ادامه داده بخش از فله مجزایه دارائی تعویل شد. وضعیت کشت کاران و فروشندگان توتون همچنان بیلت نرسیدن وجه در مضیق است.

سپه شکر و چای شهر یورماه تاکنون داده نشده. محمد رشیدخان قادرخان زاده چندی است به کشور ایران آمده در یوکن می باشد. حسن سلوک و رفتار کارمندان نایبندگی پانک ملی از هر جهت قابل تقدیر است.

پست خیلی دیر سفر می رسد برف متصل بازیده و یک هفته است باوندگی ادامه دارد

از کرمان

آقای عبدالحسین حیاتی با خانواده خود روز ۱۳ اردیبهشت ۲۴۱۱ به سکر بلاخریت رفته

در گذشت مرحومه مفقوره صبری خانم کمانگر را آقایان اشرف نظام کمانگر و آقای سربور کمانگر تسلیت میگوئیم

فراموش نکنید

اقتراح

چه راهی برای اصلاح کردستان دو نظر دارید

ترجمه آقای منصور شهناز

مفازه دزدان

شواتندکن بهاطر دارند سهه سن بازده شماره و زمانه کوهستان فستی از زمان «مفازه دزدان» از نظرشان گذشته چون میخواهیم بقیه را نیز بتدریج از این شماره بیامد چه کنیم لازم دانستیم خلاصه ای از آنچه تا بحال چاپ شده بدوا تکرار نموده سپس بیجا بقیه آن برداریم:

هراس کلولا دزدانگی بکنواخت در شهر نابل خسته شده با مادر خود بقصد گردش بطرف شهر سنایی روی نهاد. در میان راه بیستارخانه ای رسیدند. از در فک که شخصی خود پاده شده و در هنگام پیاده شدن بپیران ایتالیایی سرخوردند که هراس باو برخواست. رئیس مهمانخانه قیانه زنده ای داشت که موجب سوء ظن مسافرین شده از این جهت راه سنایی را پیش گرفتند. در بین راه مورد هجوم یک دسته راهزن واقع شدند و مال و امانتشان غارت رفت. رئیس دزدان ماثو نام داشت پسرش اتو بدست نیروی دولتی اسیر شده بود برای خلاصی پسر خود هراس را بنام گروهان نگاهداشته مادرا برای نجات دادن اتو بشهر حرکت داد. آریکو یکی از دزدان بود که مأمور هراس شد که جواب مفازه دزدان سرکش داد. یو یعنی دیگر از دزدان بود که سخت با هراس مخالف بود.

هراس پس از چند ساعت که در میان دزدان سر برده بدی شخصی وارد غار شده و ماثو اوسر خویش از او سؤال نمودند او اظهار بی اطلاعی کرد.

هراس فوراً شخصی تازه وارد را شناخت که همان کسی است که در هنگام پیاده شدن مورد برخواستش واقع شده بود. ناوش را ذلیل و عداوت خوبی داشت.

راغابیل از وقایع عصر از برادرش آریکو پرسش نموده هراس از حالت مضطرب او بی برد که وی چندان موافق باراهزنان نیست.

شرح مختصر و کوتاه راغابیل را بروقایع عصر مطلع ساخته اضطرابش را فرونشاند. پس از آن چند سوال دیگر از آریکو نمود و او در حالیکه مکان هراس را نشان میداد بدان پرسشها جواب میگفت:

هراس دیگر مطمئن شد که راغابیل در مهمانخانه عرض راه با او از راه دوستی صحبت کرده و قصد سوئی نداشته است لذا از این که سخنان خوشی بر او رانده بود سخت نادم و پشیمان شد.

راغابیل تکه نالی از جیب برد آورده پسرش مشغول خوردن آن شد.

ماثو رو باز کرده گفت: بلیله من میخواهم یکی از آوازهای ترا بشنوم. بیو که مانند کلافی صدا میکند و آواز پنیروم می شباهت بجیر جیر سومک لیسه. درحقیقت بعد از مرک مارکو ما هیچ از آوازه های تو نشنیده ایم.

راغابیل چندان مایل بفرانیدن بود مهربان لغواست که از اطاعت فرمان رئیس خود سرچی کند تا خود را برداشته مشغول لواختن شد.

در این وقت بیوبا صدای بلند گفت: بلیله، بیکر از تصنیف های اسپانیولی را بخوان من آنها را خیلی دوست دارم. راغابیل گفت: من خودم هر تصنیفی که بخوام خواهم خوانم و خودم آن را انتخاب میکنم. پنیرو با صدای ضعیفی گفت: بیکه دیوانه! غیر از دیوانگی چیز دیگری ندارد. راغابیل با صدای بلند و چندی گفت بلی تصنیف من هم از اشخاص دیوانه و مردان سفیه صحبت میکند.

ماثو در حالیکه پیش را روشن میکرد سایر دزدان گفت ها دیگر ساکت شوید سپس رو به راغابیل کرده گفت: بسیار خوب شروع کن بلیله. سکوت کاملی برقرار شد و راغابیل در میان آن شروع بنواختن و خواندن نمود. تصنیف راغابیل ابتدا از سرما حکایت مینمود که پدر خود دشنام داده و کافله دعوت ترا که برای او فرستاده در آتش انداخته بود سپس پدرش خود از مردی ذکر کرد که ارنیه بزرگی را زده کرده بود بعد از آن از جنایت کاری صحبت نمود که دوروز قبل از اعدامش نامه ای که دال بر دلو او بوده پاره کرده بود.

### دنیادر هفته پیش

پلم آمانی مهندس کودرزی تبریزی

**هفته عجیب**  
در میان مشکلات تازه کهن سال اروپا امروز هم مانند بیست و چند سال پیش حل مشکلات سیاسی و تسلیه خورد حساب های قدیمی شگرف ترین مسئله است که در برابر پانزده سال سازمان صلح خود نمایی می کند.

چیزی عجیب است که هنوز همه گفته فکر میروا منته از پشت عینک سیاسی خود دیوارا بهمان نظریه پیشه که بیست سال پیش دیده اند هنوز هم زبانی از سیاست آمان در مساعیه بین الملل و بندوبست ها می باشد خارج خود همان طریقی را پیش میگیرند که در ۱۹۱۹ علی گردن و شجاع و بهره بردند و هنوز هم بعضی از سیاست های بزرگ جهانی با روشهای مسخره و متضاد خود باز میروا منته دول کوچک و سیاستمداران بلا اراده و عوام پسند آنها را بنامورنگ (ملی) و (استقلال) بروسک موسمی و بازچه خود کنند و بدیال خود کشیده و همان راه را بروند که دوست در یک ربع قرن اخیر وقت اند اگر اشتباهات گذشته درس و پند عبرتی برای امروز نباشد.

اگر باز نیروی نظامی صلح انگانه تهاجمی انهر پالس گردد.

اگر به صدیا اشتباه قدرت جنگی و مغرب فاشیست باسوروت و ماسک دیگر برای اوردیکر در جهان آشک و خوچنگان فطی جلوه کند.

اگر تمام روزهای غرش آینه بدین نوسریا بد و برود دیوارا با بهترین و جوان سوزترین دقایق مواج و دورو کنداگر حاصل تصبیات شوراء امنیت و سازمان ملل متفق جز بنفع آزادی و امانی باشد.

دنیای نو چگونه و جنگ آینه کی خواهد بود یا آنچه که از تمدن مسکن است باقی بماند و ملتی که باید پایدار و جاودان باشد چه شکل در خواهد آمد؟

### معنای شورا و امنیت

شورا امنیت در چند جمله اخیر خود بااسته ایران و در قضیه اندونزی و یونان مواج شد.

مسئله آذربایجان نخستین موضوعی بود که به پیشهاد میسوما کن مطرح و تصمیم شوراء پس از مذاکرات پر موش و غرورشان شد که ما بوقع خود گفتیم دروا چاره را منحصرا مذاکرات مستقیم فوجا به و آلم فخر اوج شوراء دانستیم.

بطور کلی پس از یکساله مناو و گفتگوهای شدید و دلغراش که اقی سیاسی تالار (جرج موس) رایانه از تیره لوده بود شوراء اینطور اثر داد که دولت ایران و غوروی باید مستقیما برای حل قضیه بابک دیگروارد مذاکره شونده و هرگاه پس از خاتمه مل مذاکرات آنها چه دادا به نتیجه مثبت نرسد با راجحه یکی از طرفین مسئله

در خودی امنیت مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.

و درباره قضیه یونان پنجمین جلسه شوراء منحصرا باین موضوع رسیدگی کرد و در لیب و پیشنگی اظهار نمود که نیروی انگلیسی در یونان نه تنها امنیت را حفظ نکرده اند بلکه موجبات تسادرا نیز فراهم لوده اند و بیاچه هرچه زودتر این نیرو ها خارج شوند.

یونان و ناینده یونان با نطق سرد و التماس آمیز خود شوراء امتوجه بدین تک لوده که توقف این نیرو با وضایت کامل ملت یونان است.

چربان سایر کارهای سازمان ملل متفق بنحود لغتوا طلی میشود و انتخاب مسیری بیست منشی گری دائم یک کام اساسی وی سابقه بود.

مسیر کلاد منیچر رئیس موقت دارالانشاء تا اوابل آوریل بخدمت خود ادا می خواهد داد و سایر ادعای دارالانشاء نیز در خدمت خود تا آنگونه باقی میماند.

امروزه بعد از ظهر مجددا شوراء امنیت تشکیل میشود و مسای اندونزی و یونان مطرح خواهد گردید ولی اینکه تا چه اندازه این مساعل میشود بر ما هم مجهول است.

### فرانکو بزودی باید برود

مذاکرات اخیر کنفرانس کلان فرانکس و تصمیم ۱۷ ژانویه مجلس موسسان فرانسه با اظهارات سابقه شوروی در

مورد فرانکو بخصوص تصمیم اخیر نایندکن چسوی و بخواه امریکا و مسافرت دون ژوان که از راه لندن بلژبون میروند با یک سلسله عوامل سرچشم و وسیع این نظریه را که دیر یا زود فرانکو باید برود تأیید میکنند. با اینکه فرانکو مانند بسیار معتضد و موسومی هنوز با فعالیت های کثیف و متعدد خود برای گول زدن و فریبتن آزاد بیواهان جهان ادامه میدهد ولی همانطور که سر بیجا دولت امریکا اظهار کرد و محبت های امروز اسپانیا هرگز جبران مخالفت های دیروز او را نخواهد نمود و فرانکو دیر یا زود رفتی است.

### سر نوشت فلسطین چه خواهد بود؟

از ۱۹۳۳ که هیتر بود بهار امچور بترک آلمان لوده و بیشتر از ۶۰۰۰۰ یهودی اروپایی را بی خانمان لوده سیل یهود و سرمایه با فلسطین روی آور شد و در برابر شعله نفرت و کینه اعراب نیز از این مهاجرت همه آورده رها نگرفت. زیرا حرب ما بهر وی مطاع بودند سکه یهودیها همیشه علانند و معتقد با جادیه بین مستقل و آزاد بود و این اشتیاق به استقلال راحتی از ۹۰۰ سال قبل از میلاد که شهر یهودیه را اشغال کردند در سر میبرورانید. اند کشورهای عربی که فلسطین را چاره خود میداند با عقیده فطی که تشکیل یک فدراسیون فلسطین میباشد جدا مخالف بوده و این نفرت و از چهار بعدی است که تصور نبرود از

### گردی سه یوانت (۱) دهوی

بیره کوردستان عزیزم گر تو سه یوانت دهوی بت به مه قندیل اگر کوزاری کویستانت دهوی

سه بری به و نیلان که نیشونه داوینی چیا باجین بو مالی کوردی گرتو خویشانت دهوی

بت بهمه پای طافی لای سرییا و سمر بل و کردیت نشان دم صد هزار آثار ساسانت دهوی

آوی صاف و روشنی داوینی چشایی چیا لری بنوشه دم بهدم گر آوی حیوانت دهوی

لاوی کوردی من، لهر که شالی زاخو آمیدی گر تو صد هزاره و رنگی شالی کرمانت دهوی

هاله گشتی چیمین و گولزاری کوردستان بکه گرله بوده روی ده رونت داوده رمانت دهوی

روح ومالت صوفی و رنگی ملت که روحه کم کرله خوالطافی عییم وجود و احسانت دهوی

ای ائیری هینه عشق ملتی کوردت هه به بشری لام وابه قبری دگردی سه یوانت دهوی

این غزل را آقای بداه رضائی کبهر اریکلان غرب و آقای غرقلی از ستر ارسال داشته اند.

### (۱) نام قبرستانی است در سلماپه.

### تبریک

اتهاب جناب آیتاله دکتر میر سید حسن امامی بست امامت جمعه تهران، موجب خرسندی عموم روشنفکران بوز. علاقتان و دوستان ایشان گردیده اینجانبان نیز بدینوسیله تبریکات صیبا خود را تقدیم میداریم.

دکتر عبدالعزیز اردلان - دکتر هوشنگ ظلی

دانشجویان کوردستان دانشکده حقوق مراتب مسرت خود را از اتخاب جناب آقای دکتر میر سید حسن امامی بست امامت جمعه تهران ابراز و بدینوسیله تبریکات صیبا را حضور آن جناب تقدیم میدارند.

بعضی معتقد و وزیر - هادی شیخ الاسلامی - هراتا شجاع اردلان - تیمور معتقد و وزیر - هادی شیخ الاسلامی - هراتا شجاع اردلان - مهدی شیخ الاسلامی - مهدی ظفر اردلان - فریدون ظفر اردلان.

### تذکر

اطلاع میرسد که اخیرا کافله های بعضی های ناشناس منشی برگراش های بی اصل از طرف اشخاص از کوردستان بیفامانی نوشته شده و میشود لازم است مقاماتی که این قسم گراش مارا دریافت میدارند متوجه حق با زیبای این اشخاص باشند.

کیت مهلظ انگلیسی و امریکایی که از راه لندن برن و وین و بنده با فلسطین خواهند رفت و تصمیم اخیر کابینه انگلیس در باب اینکه ماهیا ۱۵۰۰۰ یهودی با فلسطین مهاجرت کنند. نتیجه گرفته شود.

### هفتقره هفته

وزیر خارجه جدید یونان مسیور لودیل که بجای سوفولولیس منتخب شده بسوی لندن حرکت کرد. جمال العسینی رئیس حزب اعراب فلسطین که از سال ۱۹۳۸ به خارج تبعه بود با اجازه کبیر معسوس وارد فلسطین گردید. جلدات مجمع عمومی مال متفق تصور میروند هفت آینه تاروز دم فوریه با بان باید کبیر سون سنا ارتش بین الملل امروز تشکیل میشود و منظور ما به اظهار مجددا شوراء امنیت برای رسیدگی قضیه یونان و اندونزی متفق میشود کابینه عراق مستغنی و برای تسلیم رشید عالی هنوز راه حل پیدا نشده و موضوع استقلال هندوستان به انگاه نظریه « هابکنز برول » در آینه خیالی فردیکی انجام شدنی است.

ترجمه فریدون ملر اردلان

# کردستان

کلید خور میانه است

از روز نامه «اورپان»

چندی قبل مجله «تایم» دوساره و نواح آذربایجان مقاله ای انتشار داد و در ضمن آن نوشت:

ترکیه و عراق دارای اقلیتی از اکراد میباشند که همیشه باعث نگرانی آن ها میشود.

هچک از دول مذکور میل ندارند یک حکومت نامشروع ملی کرد در هسایگی کشور آنها تشکیل شود.

\*\*\*

امروز موضوع کردستان در گردهم آمدن توجه واقع شده و مأموران دربار موفعت این ناحیه بدست میدهند.

کردستان شامل ناحیه ایست ما بین دریای سیاه و خلیج فارس، قبل از جنگ بین الالب اول آن ناحیه بین ایران و ترکیه تقسیم شده بود و تنها اقلیتی از اکراد در روسیه وجود داشت.

اکراد به ۸ تا ۹ میلیون نفر بالغ میشوند و از زادبوم اروپایی میباشند و اکثرأ مسلمان و سنی مذهبند فقط عده خونی کمی از آنها دارای ایش مسیح میباشند.

اکراد که دارای اتحاد شکست ناپذیری هستند و قدمت آن هارا تا ۶ هزار سال قبل از میلاد مسیح تعیین کرده اند در مقابل تمام اقداماتی که برای تحلیل آن ها شده مقاومت بفرح داده و تعصب ملی این قوم سر بلند سرچشمه جنگهای دائمی میان اکراد و دول مختلف شده است.

در اواخر جنگ بین اللل ۱۹۱۴ - ۱۹۱۸ اکراد توانستند اندیشه استقلال موا بقیه خود را مدد خود در بیان «سور» که در سال ۱۹۲۰ با حضور نماینده اکراد با امضا رسید و ژنرال شریف پاشا نماینده آنان حقانیت اکراد را بشود رساند. مواد ۶۲ و ۶۳ و ۶۴ این بیسان وجود یک حکومت کرد مستقل را پیشبینی کرده بود.

## از پیمان «سور» تا عهد نامه «لوزان»

کودنای مصطفی کمال پاشا امید کرد هارا مهمل یاس کرد زیرا در اثر اینواغه عهد نامه «سور» عملی نشد و بر هکس پیمان «لوزان» در سال ۱۹۲۳ کلیه این مواد و قرار دادها را باطل ساخت و در حقیقت جنگ بین اللل کردستان را بیخبران و روسیه و ترکیه و عراق در سوره قسمت کرد ولی «کرد» نییاستی مجبور شد تحت تسلط قرار بگیرد و در برابر یکایکان بر او در آمد و با بیجهت در عراق و ترکیه اغتشاشاتی نوی پشور رسید.

در ترکیه، «شیخ سید» در سال ۱۹۲۵ پایه وان خود سلسله جنبان انقلابی

شد و تا دیار بکر جلو رفت، در همان موقع شورش های معلی نیز بر له اکراد و بر علیه دولت محاسب رخ داد ولی متاسفانه فقدان تشکیلات اساسی و بویژه عدم وحدت - فرمادهی این انقلابات زود خاموش شد و شورشیان بطرز فجیعی از بین رفتند.

محکمه مخصوصیکه در دیار بکر برای این امر تشکیل شد ۸۰۰ نفر را محکوم باعدام کرد.

چند سال بعد، در سال ۱۹۳۰ انقلاب مجددا شروع شد و یکی از راههای کرد «احسان توری» در ناحیه «آگری داغ» سرسلسه جنبان شورشیان شد، جنگ های سختی در گرفت و اکراد که فاقد تجهیزات و تدارکات کافی بودند، مجبور به تفرقه شده و بکوهها و نواحی صعب العبور ناحیه «سوسوم» و «دورس» پناه بردند و تا سال ۱۹۳۸ جنگ های معلی ادامه داشت.

## انقلاب «بارازان»

در عراق، اولین انقلاب در سال ۱۹۱۹ رخ داد و این موقع قبل از اتحاد پیمان (سور) بود و سبب اصلی آن «شیخ محمود برزنجی» بود که در «دره آبارازیم» جنگید و سرانجام تسلیم انگلیسها شد و بعنوان مفسر سیاسی هندوستان منصوب شد ولی در سال ۱۹۲۲ مجددا بر عراق بازگشت و در کردستان جنوبی دولت کرد مستقلی با موافقت مقامات انگلیسی تشکیل داد ولی آن دولت دیری بر جای نماند.

در سال ۱۹۲۳ انقلاب جدیدی بدست «شیخ احمد بارازان» در ناحیه بارازان رخ داد که در ۱۹۳۴ با بان پذیرفت و مذاکراتی بین اکراد و دولت عراق واقع شد که نمود انگلستان در آن ذی مدخل بود.

سران انقلاب حاضر شدند که در «کرکوک» و «سایبیه» اقامت گزیده و بدین ترتیب تا سال ۱۹۴۳ در این ناحیه ساکن بودند.

«توری سید» که پیروی انقلاب ملی کرد آگاه بود با سیاست مدیرانه ای وجهه خاصی در بین اکراد پیدا کرد اما پارلمان موافق باروش سیاسی او نبود و ملا توری سید ناچار کنار رفت و شمس دیگری را بنام «حمید الباجاجی» را که دشمنی خاصی با اکراد داشت بجای او برگزید.

در این موقع «ملا مصطفی» برادر شیخ احمد بارازان رئیس طایفه شد و وی در ۱۵ ماه اوت ۱۹۴۵ انقلاب را شروع کرد.

اکراد روسیه نیز برای دست آوردن حق خود، جمهوری نصیوان را تشکیل دادند که باذربایجان شوروی ملحق شد ولی دولت روسیه بدان ها فقط استقلال کشاورزی و اداری داد.

ایروان اکنون یکی از بهترین کانون های منوی اکراد روسیه است. کردستان ایزونی تکیه بر سلسله بقیه در سلسله ۷

بنام بانو پوران رهبر

## سخنی چند با مادران

از کرمانه

قلیل مدتی در کردستان بودم و بدبختی و بازاری دیرستانها اشتغال داشتم آمد و رفت من در دبستان های سندج نتوانم از هفت ماه طول کشید و در این مدت ندیدم حتی یکسریه طبیب بهداری برای معالجه و مداوا سر کشی کند. ولی اداره فرهنگ با اداره بهداری و هر دو با وزارتخانه های مربوطه مکاتبه مندند که گزارشها میرفت و جوابهای موافق میرسید و کاری هم انجام نمیشد.

من بهاد صحبت یکی از دوستان پدرم افانم که روزی میگفت امور اداری ما مصداق یک شمر معروف است که اداره یک مصرع آرا پروازت خانه میکوبد و وزارت خانه هم مصرع دوم را جواب میدهد.

اداره میکوبد: «دایر جانان من برد دل و جان من» وزارتخانه جواب میدهد غیر: «برده دل و جان من دایر جانان من»

بدون اینکه بکسی بر بخورد استدعا میکنم برونده بهداری و فرهنگ یک شهرستان را با وزارتخانه گرفته مطالعه فرمائید تا تصدیق کنید مثل فوق بیان واقع است.

از این مقدمه میگذریم. قدمی بدبستان میگذریم در اینجا کوری و کجلی اطال جلب توجه میدهند. مادران طیفه دوم و سوم بیبداشت مرزندان خود مفید لیست آنها را از مطابقت با مبد خدا بسیارند و در نتیجه بیبالاتی بانوان خانه در امضای خانوادها کودکان کور و کچل زیاد دیده میشود و اگر درست وقت کنیم مفسر واقعی هسان مادرانی هستند که بیجه های خود توجه نداشته اند منظور من از نوشتن سطورى چند و اشغال يك ستون از روزنامه این است که با معلومات ناقص خود خدمت کوچکی بجامه بانوان غرب بنمایم و نیز از بانوان و دانشزکان روشنفکر تقاضا کنم بانوشن مطالب سودمند خوانهران خود را راهنمایی فرمایند.

من امروز بانوان کرمانی را مخاطب قرار داده و دستور کوچکی که در نتیجه تجویب است خود دستور پزشکان بدست آورده ام بنویسم و آنها را به حقیقتی راهنمایی میکنم.

مادران و بانوان کرمانی، هکسایک طفل مسموم شما در نتیجه مائوس بودن با بچه های مبتلا گرفتار گچنی میشود بیبالاتی ننویسید این موضوع را بر سر می نگیرید و بجای مراجعه بزنان نادان وی تجربه و دعا نویسان هوام غریب فوراً بطیب رجوع نموده و هر چه زودتر اطفال خود را از این ورطه هولناک نجات دهید وی جهة باین و آن متوسل نشدند و حرف خاله رنگهای معده گوش ندهید.

۱- هکسایک در سطل اتر از زخم میبینید فوراً بپوشک مراجعه کرده کلاً مطبوع دستورات او باشید و بدانید اگر این مرض بغوریت مداوا نشود طولانی شده هوائی و غنیم در برخواه داشت.

۲- طللی را که مبتلا بکچلی است از مسافرت با اطفال دیگر بازدارید تا آنها نیز مبتلا نگرددند.

۳- ظرف غذا و آب او را از سایر اعضای خانواده مجزا کنید.

۴- لباس های طفل مریش را مرتباً جویانید، با لباس دیگران مخلوط نسازید.

۵- پس از بهبودی مرض لباس آبیجه را مربوط بطلل بوده شد عفونی نموده و با بسوزانید و جایگاه او را بوسیله دارو های مخصوص گدزدایی کنید.

۶- کودکان خود را از ابتداء بیا کیز کمی خود داده تا بدینگونه امراض دچار نشوند.

۷- بار هایت این نکات، هر وقت دسر بچه اثر زخم دیده فوراً محل زخم را با مویج های مخصوص هاری از مو بنسازید بطوری که کف سر دیده شود آنکاه با آب نازاج یا تطویرید و غیره که در دسترس دارید باید هر روز محل زخم را با صابون های ضد عفونی مانند صابون سولیه شستو دهید. اگر این دستورها را بکار میبندید میباید بچه های خود را از خطر کچلی معظوظ بدارید.

بزم آفتاب آیت الله مردم خرد کردستانی

# کرد و کردستان

-۴۴-

(سنه اردلان)

.....

چون خبر بهشت اللهالی خان خسرو خان میرسد در ربیع الاول ۱۱۹۹ هجری یا هفتصد و پنجاه سوار زنده از نجیب و عزیزین کردستان که حاضر داشته بدون درنگ باهنگامت بیرون میشتابند کرده باغان که واقع در سه فرسنگی شهر است سوارها را بر پسران خود تقسیم کرده هرصد سوار را تحت ریاست یکی از پسران خود قرار داده و پنجاه سوار تحت ریاست خود میبندد.

احمدخان پسر بزرگش را با میرزا یوسف وزیر پسر میرزا عبدالله وزیر پیش فراول قرار میدهد سیاست از شب گذشته پیش فراولان طرفین در دشت امیر آباد بهم خورده دیران هر دو طرف دادمردی و مردانگی میدهند بالاخره پیش فراولان زنکنه که پسران معدد رشید یک هم جزو آنها بوده اند با تفان و زحمتی صبح میشینند صبح علی الظاهره احمدخان و میرزا یوسف با اسراء و همام فراوان فرد خسروخان مراجعت میکنند خورشید فروختن که از افق مشرق سر بر آورده اردوی اردلان چون شیر زبان جلو ناخن در محل ستر دیران در میینه و میرسه صف بست خودوالی هم در قلب لشکر جای گرفته اللهالی خان هم جلو آمده در برابر اردوی اردلان که در نظر همان مضطر بوده بآین سیاه آروالی خروج بشوید صفوف و تسبیح تقسیمات نموده توپخانه و زنبورک ها را در چنانچین قرار داده از میینه و میرسه شروع بحمله میشانند.

احمدخان که باز پیش چنگ بوده در مقابل پیش تازان زنکنه کم حکم عقب کشید تا آنها چیره شده از تیررس توپخانه غاوج میشود همینکه کار بسر وقت مراد صورت بگیرد احمدخان از وسط امیر اسلان خان و محمدخان از چپ و راست هر سه برادر با ابواب جسی خود بر سپاه رنگه و کردستان که با محمد رشید یک و ده اند ناخن و در حمله اول با تلفات سنگین عقب میشنند.

اردوی اللهالی خان که این وفادار را از سیاه اردلان شاهانه میکند تلب خودداری در آن ها نمانده از هر طرف حمله ور میشوند سایر دستجات اردلان هم دیگر مجال نداده از چپ و راست بر لشکر اللهالی خان میبارد و از کشت و زشتی سطح زمین و انگگون میسازد زخون بلان در صف کارزار هد آورده که غیرت نو بهار

از سندیج اتر طبع حیران پوچی ناپرسی له حاله یاری بی عهد و وام شرم و نازی چپ ته گیانا خودمیکه آشنام کفر و اسلامه بهم داکیش و هویت کچ ترا چاوی قناده دلاهر تیری هخره قتلای عام نیسی هخره بواله دهوری مانگو انجم شرده که دل برین داری خصی ابروته بالا نونام دست ویت دایم به خونیش ام اسیره رنگه دک بایسی بی قهقهه و پروازی کبکی خوش خرام مرغی روحم که و ته دامی عشقی تو روزی ازل ام جفا وجه و ره چه عشاقی توناگا بکام تا به کی ناله دلم وک نی له نایه و بته در چالوری هم کی شمال بینی یامی صبح و شام روزی هجری روزی روت هر وک شوی د بچورمه گر هلی خویش در خاوت شوش روز و له لام من به پولی بالی سوتارم له شعله شمی دوت نامرم قوتم له شهیدی خاله تا قامی قیام چی دهی گر و ایزانی روزی جزیه چاوه کم بی که وه جادس له کردن یگرین هیدی صیام یربوه «حیران» اوه بوی ذوقی شمی چاک نیه هر به اعلمی توجوا و ویته وه شیرین کلام

کلیدی را با جسی دیگر کف بست وارد میکنند خسروخان فوراً امر میکنند دست های محمد رشید یک را باز کرده آنچه اموال و اسب و اسلحه که متعلق به او بوده است همه را از سپاهیان پس گرفته و باو تسلیم مینماید و نهایت عظمت و نوازش را نسبت به او مینماید و میگوید و کیل «ا ز هر چه بگذری سخن دوست خوشتر است» قطعا پدایند

چراغی را که ایزد بر فرود گرا بله پف کند ریشش سوزد پیش از این دونه گی و تحمل جایز نیست شلم و بلنور کردستان خودمان از اطلسه الوان سیاهان رنست های کرمانشاه بهتر و خوشتر است.

خسروخان پس از این فتح نمایان در همان اردوگاه حاجی علی خان صوی اللهالی خان را به حکومت کرمانشاه منصوب و تحلیفه حکومت را برای او روا مینماید حاجی علی خان نیز تمامی خرابین و دنان و رگه و رزمه و سایر ماچترک اللهالی خان را اهم از قه و جنس و غیره که متجاوزاً از صد هাজার تومان پول اسرود بوده است تحویل گناخته خسرو خان و امی نموده روانه اردومی سارد.

خسرو خان کلیه آن غنائم و اموال قدرها در میان سپاهیان تقسیم نموده جزیه اسب سواری و خیه و خرگاه و سایر برده لهنلی خان طمع به خاهاکی نس کند و با نهایت سر بلندی و افتخار بنه در مراجعت میکنند.

در تاریخ ۱۲۰ هجری چهلر خان زنه برادر مادری علی مرادخان که در اسپهان علم سلطنت بر امراشته بود با تمام جمعیت خود بهمدان آمده از آنجا خسروخان را احضار مینماید چون در آن هنگام قوه و استعداد خسروخان برآفت بیشتر از چهلر خان بود تا بهت چهلر خان را تک دانسته جواب او را حواله بیدان چنگ مینماید و روز بعد خسرو خان با لشکر گران و هسپار همدان میشود در ضمن هم محمد حسین خان فراگوزلو و محمد امین خان گروسی و علی خان خسه را نیز برای این رزم دعوت میکند.

سرکردگان مذکور با پنج هزار سوار در قریه صالح آباد بارودی خسروخان ملحق میشوند. فردای آن روز که پنجشنبه ۲۴ شعبان ۱۲۰ هجری بود اردوی خسروخان وارد بهار همدان شده و آنجا بیدان رزم گرفته میشود. روز اول هیچ یک از طرفین موفقیت حاصل نکرده بدون فتح و شکست هر دو سپاه با آرامگاه خرد معاودت می کنند روز دوم نزدیک ظهر لشکر علی خان خسه و محمد حسین خان فراگوزلو شکست خورده متفرق میشوند.

ز تبغ بلان بس سران کشته شد زشته بهر سوی صد پشته شد چو شیر همین همچو شروزه پلنگ پلان سه در مظفر به چنگ در بچورمه آن منلوبه رضا یک نام چلودار خسروخان بهود اللهالی خان می رسد او را از فراز زمین بسزمین آورده سرش را از تن جدا میسازد و نزد خسرو خان می آورد و اردوی زنکنه فرار می کنند.

لشکر اردلان دو قسمت شده یک قسمت بتعاقب فرازبان و کشتن و بستن و اخره گرفته شد دیگر قسمت دیگر بجعب آوردی همام و یلغاسی برداشته و تمام توپخانه و زنبورکخانه و قورخانه و اتانیه و مهمات جنگی زنکنه بسبب فرار اردلان میگردد.

خسروخان بسرا برده اللهالی خان که خیه و خرگه سلطنتی بوده و روزه نموده محمد آفتاب هد میرزا علی اکبر صادق الملك هم در محبت اردلان سر ابرده شده مستقیماً بمنهوق خانه میرود و در آنجا بعد از ایامی متعدد دیده یکی را بر میدارد میبیند که از اتانیه سلطنتی امانت شده است صندوقچه مفل کوچکی را بنظر آورده بچیب میگذارد و نزد خسروخان مراجعت میکند.

خسروخان که از خستگی بر بستر تکیه کرده بعد آنا میگوید تو چرا رفتی از همام چیزی بدست بیآوری محمد آفتاب میگوید من اندر قنای ملک تاختم

ز خدمت بنمت لیرداختم تفصیل صندوقچه و بیدان ها و ابیان میکند خسرو خان از چاهت و صندوقچه را طلب میکند میبندد مفل کوچکی بر آن است محمد آفتاب میخواهد مفل را بشکند خسروخان میگوید لشکر من کلید کوچکی در بند مهر دارم ببینم باز میکند پانه کلید را در آورده بمفل میزند مفل باز میشود.

خسروخان میگوید امروز معلومی بود از هر جهت فتح با ما است حتی کلید مهم مفل زنکنه را متع میکند. پلاخره صندوقچه را سر ایزد نموده ملو از جواهر الوان بوده است خسرو خان جواهر را هم زده انگشتری نیکین فیروزه را بمفل (نکین و فیروزی) بالکشت میکند و بقیه را که بقیت متجاوزاً از دوهزار تومان بوده بمحمد آفتاب میدهد در این اثناء نستی از سواران بر کشته محمد رشید یک و کیل و سایر خان

بنام آقای سلیمان بوسی  
لیاسه حقوق

کرمانشاه متروک

- ۱۵ -

شهرستان شاه آباد غرب

بنامست تکراهای رسیده از شاه آباد غرب که در شماره های ۴۲ - ۴۳ و ۴۴ روزنامه کوهستان درج شده است می مناسبت نهادنم ایلا از لحاظ تطبیق با موضوع مورد بحث تشکیل هیئت دولت را در زمان ساسانیان برشته تحریر در آورده سپس با وضاع عمومی شهرستان برداشتم. در زمان ساسانیان جز از شاهنشاه بزرگترین شخص اداری مملکت و وزیر فرامان از لقب داشته و چنین کسی تقریباً مقام نخست وزیری را دارا بوده است و چون ریاست دسهای مرکب از هزار نفر سرباز مستحفظ پادشاه را در عهده داشته و هزار تن هم نامیده شده است. و نه فقط امور داخلی کشور بلکه سیاست خارجی را هم رتق و تقن میسوده است. بعد از آن مقام سایر وزراء است از قبیل شاهاماردییر (وزیر درازانی) و «زنگان دیر» (وزیر اوقاف) و «کارداها ماردییر» (وزیر محاسبات دربار سلطنتی) دانش هاماردییر (وزیر محاسبات آتشکده ها) «گچ هامار دیر» (وزیر خزانه) «داندیر» (وزیر عدلیه) «دهومار دیر» (وزیر پرورش زاداسب و میر- آشور).

این تشکیلات مستطو مضمومما کله هزارید مرایاد خیرهای منتشره در افواه انداخت که میگویند در ستاد ارتش بوسیبه شخص ذنمی از چندی پیش اقداماتی در جریان دارد که تعداد هزار قبضه تفنگ گرفته شده شاه آباد غرب فرستاده شود ولی گویا بواسطه تمویض فرماندار آنجا این امر به تعویق افتاده و خواه انخواه مقام هزاریدی پوشالی و خیالی هم نقش شده است.

پس از آنجایکه میدانم روش روزنامه کوهستان این است که بدون در نظر گرفتن حق و ناح از حق و حقیقت پشتیبانی کند و رعیت به نظر روشن نبودن ادعای عمومی کلیه اطلاعات واصله را در معرض نقاوت عامه قرار میدهند انجا که می خواهم که شاید خود را صرف نظر از صحت و سقم موضوع افون که در اغلب جرایده تهران منعکس شده در اینجا ذکر نمایم و معصوما از کلیه مطالبین تنها دارم آنها هم از اظهار نظر در این موارد تسامح ننوده بنوی خود گوشا باشند که حقایق روشن و آجیه که بنفع ملت و دولت است بپونع اجرا نگارده شود.

بنظر اینجاسا امروز که کشور محتاج اتفاق و یگانگی و وحدت است شایسته است که از غرضهای خصوصی و منافع اختصاصی صرف نظر شده و در ایجاد اتحاد و تأمین منافع عمومی مملکتی هر کسی بقدر وسع و طاقت خود جیدت بخرج بدهد تا کشور

را از این گرداب هلاکت رهائی بخشند نه اینکه متفدین از موامبت خود سوء استفاده کنند و دولت را در مصطوره های فوق العاطفه گذارند و راه اصلاح را با در خواستهای لچوجا ته خود مسدود نمایند. مثلا آنسای خسرو قبادیان که طبق دستور وزارت کشور پس از احتضار شده است عوض توزیبه تلکراف های هداد و فلاظ غرب بود از یک وزیر صالح کشور سر پیچی ننساید زیرا با دعای ملکی صغه در حوزه شاه آباد غرب دارند نه از لحاظ قضایی و نه از لحاظ سیاسی و معلمت است صغه در فرمانداری شاه آباد ایماه شوند و نه شایسته است که دولت را در مضیقه انداخته و نه صلاح است که پس از اعزال بنام فرماندار شاه آباد تکراهایی محاربه ننساید زیرا طبق قانون مملکتی اینگونه اعمال قابل تعقیب و برای مرتکب مجازاتهای شدیدی پیش بینی شده است. وظیفه وجدانی ما این است که از لحاظ اینکه بنام کرمانشاه متروک سابقی را می نویسدند گراتی بنده جوان بر داده باشم خواه از صغیتند گیرند خواه لال اگر چه در این باب گفتنی ها زیاد است ولی از لحاظ اشماعر کسلام فلا دنباله این موضوع را بوقت دیگری و گذاشته و دنباله سلسله مقالات گذشته را که مربوط با وضاع عمومی شهرستان شاه آباد غرب است ادامه میدهم شهرستان شاه آباد غرب یک دیگر از شهرستان های استان پنجم است از شمار به روانس را از جنوب به لرستان از مغرب به باطان و از مشرق بکرمانشاه محدود است این شهرستان سابقا هارون آباد نام داشته است و دهستان کلوران روی پیش بوده است هارون آبادی این شهرستان تقریباً از سال ۱۳۰۵ با نظر طرف شروع شده و چون در روی اشغاب جاده های نمر سه پین و سکرمانشاه و ایلام بنا گردیده دارای اهمیت خاصی است.

شاه آباد غرب در حدود شش هزار نفر جمعیت دارد و اکثر مردمان مسکون این شهر به ضاع مبتلا به لاریا میباشند. و علت ابتلاء آنان بواسطه وجود روف شاه ایست که از وسط شهر میگذرد و علت عدم توجه در اطراف این رود شاه مرداب های احداث شده که بنشور نسای داخل مالاریا کومک فراوان مینماید در مسافانه وزارت بهداشتی هم کوچکترین اقدامی برای خشکابیدن این باطالها و دفع این عامل خانمانسوز ننساید و معلوم نیست چرا اولیای این وزارتخانه بتأمین بهداشت شهرستان های غرب اینقدر بی علاقه هستند. بنظر نگارنده باید این وزارتخانه را هم عاتد برخی دیگر از بنکسماهیاتی دولتی ننگ ملی محسوب داشت زیرا بطوریکه

تلگراف ار کرمانشاه

جناب آقای نخست وزیر ۰۰۰ رونوشت روزنامه کوهستان توجه آن مقامات عالی را بشماره ۴۲ روزنامه کوهستان مسطوف و امروض میدارد خسرو قبادیان فرماندار سابق شاه آباد که در نتیجه تعدی و عدم شایستگی از فرمانداری خلع شده با مضاربه تلکرافات اعانت آبرو با هضای ساختگی دو صد است اضمهان را مشوب و قدرت خود را بر خ هیئت محترم دولت بکشد با اینکه مدعی است محکم انفصال او الاغ شده بیبانه اینکه روسای مشابرمانع حرکت او بتهران شده اند هنوز در شاه آباد بتوان فرماندار مکتوب و مداخله میکند. بر هیچکس پوشیده نیست که خسرو قبادیان در مدت کوتاه فرمانداری جز ایجاد اغلال و اختلاف کاری نکرد و بتوان حق مریع و خناوبن نامشروع دیگر صدها هزار ریال با فشار و تهدید از مردم پول گرفت و دلیل این مدعا برولده های کیاری است که با نام او نزد آقای موبنی با زبرس ذبوان کیفر تشکیل شده است. همگی مشابیر این ناحیه حکم انفصال او را با مسرت تانی کرده اند و کسی مانع از حرکت او بتهران نشده است. استعدا دارد مقرر نرمانیه اولیا بتاهامات و اخذ بیهی اودقیقا رسیدگی خود ثانیاً رسیدگی و معلوم شود اشغامی که امضای آنها در ذیل تلکرافات امبروا دیده میشود کدامیک تلکرافات را حقیقتاً امضاء کرده اند و چه شخصیتی دارند ثانیاً رسیدگی و معلوم شود که در چه نقطه ای از کرمانشاهان روسای مشابیر مانع از حرکت او بتهران شده اند و این روسای مشابیر چه اشغامی بوده اند.

حاج نعت الله رضائی منوچهری - احمد اباباهالی - عورت الله ابابخانی سرپرست - شیان به الله منوچهری - فرج الله منوچهری - قاسم منوچهری - مرتضی منوچهری - مسعود فزه نی - مظفر فزولی - کریم فزولی - موسی تربویی - منشی (ادم) شکرالله منشی زاده - کاظم منوچهری - محمد علی منوچهری - جدر علی شهبازی - عبدالعزیز منوچهری - حاسن علی منوچهری - غلام منوچهری - هاشم شهبازی - احمد شهبازی - امان الله شهبازی - بافر شهبازی - نیر منوچهری - رضابخیاور سنجاسی رئیس طایفه تلغالی گوران - رشید آغا بهرامی - علی اکبر داودیان - جواد منوچهری - جهان بخش هوزافه سنجاسی ویش سفید و سرپرست منصوری - امیر آقا ناصری - آقا سفید منوچهری - حیاتالی اکبری دهبان مغزونی - شاه اوددهبان شیان علی اکبر رشیدی ابوالفتح دهبان قباد شیان احمد بیگ احمدی دهبان شیان خسرو شسروی دهبان شیان.

آشپزی رسمی

برای کشاورزی و دام پروری و پرورش طیور و مساملات بازرگانی شرکتی بنام شرکت نسبی مهدی طیبی بوشهری و شرکاه در تهران چهارراه گنت پاساژ ساجلی با سر ماه مهید هزار ریال بین آقایان مهدی طیبی بوشهری و مهدی اردلان و نظراف - عالی دو تاریخ ۲۴/۱۱/۱۶ برای مدت پنجسال تشکیل و در تاریخ ۲۴/۱۱/۱۶ بشماره ۲۱۹۹ به ثبت رسیده است مدیریت و حق امضاء با آقای مهدی طیبی بوشهری میباشد.

تهران مورخه ۱۰ بهمن ماه ۱۳۲۴ ۱۵ پیرم ثبت شرکتهای

در مقالات پیش هم متذکر شدیم در هیچیک از شهرستان های غرب مانده کرمانشاه - شاه آباد - نقر شیرین و بخش های تابعه آنها گلستان غرب - سر بل زهاب - گرنه و غیره اقدام اساسی برای تأمین بهداشت عمومی نشده است.

این وزارت خانه که تیل خانه پیش نیست مبلغ هنگفتی از بودجه کشور را بتوان حقوق حده بزرگ که مورد توجه طایفه حاکم است میدهد بدون اینکه از آنها کوچکترین اقدامی برای بهداشت عمومی بخواهد و اکثر این آقایان بپنجوجه حاضر رنشدند که پال مرکز قرار نهند و آجالی هم که حاضر میشوند بشهرستانها و نه جز نده فلبلی که متفردشان خدمت بخلق است، اکثر عورش کرده بهداشت عمومی به بر کردن جیب خود مشغولند و جز داروهاییکه برای مصرف بیماران بپساره و بیبوا به ولایات مسرسانده میشود بقیع خود بینه دارو فروش محسکر و خسانی یا دست های مجرب مرغی بپروش میرسانند.

ترجمه هیومن

تألیف ادیب فرانسوی لوسی پول مارگربرت  
و دکتر ک. ا. پ.

۲- بررسی در شعر و ادبیات کردی

چنانچه بخواهیم منطقه را که منشأ زبان های آذربایجانی است تعیین کنیم می بینیم که يك قسمت از کوهستان ترکیه - عراق و ایران واقع بجنوب و بکوه خراسان را فرا میگیرد.

این زبان کردی و زبان های آریایی لغت مشترک و منشأ عده ای موجود است که چند نمونه از آنها را در اینجا ذکر می نمایم (۱)

کرها دارای تمدن قدیمی میباشد که تاریخ ظهور آن از پیش از میلاد شروع میشود و در آن دوره فارسی در اقلیم تمدن بزرگ زردشتی یا کردها اثر گشته است (۲)

با ظهور دیانت اسلام در قرن هفتم این دیانت برادری و برابری مسلمانان را بدون هیچگونه فرق و تفاوتی بین ملت ها اعلان نمود و در نهای عربی و ترکی ماند اموی - عباسی - سلجوقی و عثمانی تحت عنوان اتحاد دینی از عاص و ملایر ملل مشتبه مانند عرب - کرد - ترک - آلبان - چرکی و غیره استفاده نمیدونند و لهذا وحدت دینی مانع از ظهور بعضی ملل اسلامی و احیاء ملت آنها نگردید.

تاریخ نشان میدهد که این ملل در مقابل بعضی تبلیغات که با آداب و سنن ملی آنها مغایر بوده مقاومت نموده و منظور که در اثر تجسس گذشته های خود تحت تأثیر سوابق تاریخی و مخصوصاً ادبیات قومی خون ملی خود را تجدید نموده .

قبل از غایت قرن دهم در میدان پیشرفت و انتشار ادبیات کردی به طبقه شعراء و نویسندگان مصادف میشویم:

۱- آنها بکه زبان های کردی - فارسی - عربی و ترکی جز گوشت و فقط روابط دینی را در نظر داشته و رابطه ملی را اهمال نموده اند.

۲- آنها بکه بزبان کردی مخصوصاً در موضوع های منتخب و ممتاز چیز نوشته اند .

۳- آنها بکه بزبان توده و برای توده چیز نوشته اند . این طبقه امیر و نظم سرگشتهای منقوله و هفتی باسکال نظر نمود.

سازگن و از همین رند کالی توده مقدوت بررگی از خود ابراز نموده اند. ادبیات قدیم ترکی در تدوین خود تقریباً مدیون نظریه - لئمن - رئالی میباشد همانطور که سه نغز از ادبای بزرگ کرد مانند شوقی «امیرالشعراء» در مصر ذماری دیده اند. شیرالدین در دشتن دروشاو شعراء جدید عرب فرار دارند. اساس صنعت شعر در زبان کردی تانسب و توازن اصوات است نه حروف هجاء و در قرانی اتحاد اصوات بطور مزدوج یا متوالی میباشد علاوه شعر فرد با آزاد نیز غیبی در منظومات آنها دیده میشود. عبارت دیگر کردها بنام اشکال شعر آشنا هستند.

شعر کلاسیکی کردی از قرن دهم شروع میشود و سه نموده و علی الرغم موانع ناشی از تعصبات سیاسی و سنتی مدارس ملی در بعضی نقاط و در بعضی جنبش حماسی ادبی که علی ترموگی شاعر حماسه سرا در قرن دهم بوجود آورد همانطور در زمان مامم ادامه دارد.

در حقیقت این شاعر توانا و ادیب داشتند و نویسنده عالی مدار و قادر با بیان مسئله شعر و عبارت صحیح تر و روان تر بزرگ کردها دیانت ملی را با تدوین و تألیف دستور زبان کردی وضع نموده بقیه دارد

**گردستان گنبد خاور هیانته است**  
بقیه از صفحه ۴

جبال فدا از میان کنگدواز طرفی پنجه در خلیج فارس نهاده، از طرف غرب تا مدینه است یعنی نواحی عدن و اسکندریه را در دست دارد.

اگر بیسارک در دوره خود گفته بود «هرکس بوهم» را در دست داشته باشد اروپا را مالک است.»

امروز دوباره گردستان باید گفت «هرکس گردستان را در دست داشته باشد خاور میانه و ملت آن را دارا خواهد بود» و این جمله شاید خیلی معانی دیگری دربر داشته باشد!

سایته مجله «موسم» در خاور میانه (۳۰ فروردین)

داد نامه شماره ۱۹۵

تاریخ ۲۴/۸/۵ در خصوص دادخواست تجدیدی آقای سید علی محمد روحانی بوکات از سروان طاهر نوبدی ساکن قروه سفند آباد بطرفیت علی جان هیدل جمهوری ساکن دهکده سولچه بوک ک چهار دولی بخواسته اعتراض ثبت چهار شعبه و نیم اودهکده سولچه اوزبانت ببلغ بکوزار و بانصه و بال بستنه رو نوشت انتقال نامه مورخه ۱۲ رجب ۱۳۵۳ مطابق با ۳۰ مهر ۱۳۱۳ بوضع اینکه چون سابقاً دادخواستی بعنوان واخواهی بر درخواست ثبت و اخواهه نسبت بچهار شعبه و نیم ازشده است قریه سولچه پلاک ۲۰ تقدیم که اخیراً فرار رددادخواست صادر شده است مطابق ماده ۱۹ از قانون ثبت دادخواست مذکور را تجدید احضار و رسیدگی و صدور دادنامه بر بطلان و خلع ید او از مورد درخواست ثبت مورد تقاضا است که دادخواست نامبرده تحت شماره ۲۰/۲/۱۷-۴۹ ثبت دفتر دادگاه بخش کردستان شده پس از انجام تشریفات مقدماتی تعیین وقت و احضار طرفین مربوطه تجدید چند جلسه احضار و اخواهه به مات معلوم نبودن محل اقامت مشارالیه وسیله مجله و روزنامه حسب تقاضای واخواه انتشار مفاد دادخواست در مجله و روزنامه ستاره و صولی شماره های مورد ایاز تعیین وقت بعلامه تاریخ بالا دادگاه بخش کردستان بحکومت بقوتب خیامی در مقابل طرفین تشکیل با توجه بلاجه وکیل خواهان حسب تقاضا رسیدگی ختم دادرسی اعلام بشرح زیر رای میدهد:

نظر باینکه رونوشت انتقال نامه مورخه دوازدهم رجب ۱۳۵۳ استنادی و کبیل و واخواهان ایشار دارد که چهار شعبه و نیم مشاع از کل شده است قریه سولچه با جمیع ملحقات در مقابل مبلغ يك هزار و دویست و بال از طرف ترلان خانم با آقای طاهر نوبدی منتقل شده است چون واخواه پس از طرح شدن دعوی از طرف واخواه از نظر معلوم نبودن محل اقامت وسیله مجله و روزنامه ستاره جهت اخذ دادخواست دعوت شده است چون مشارالیه با وجود استحضار از وقت حاضر دادگاه شده و تقاضای کتبی نیز از جانب مشارالیه برسیده است و با توجه بسند استنادی و اخواه مجوزی بدخواست ثبت و اخواه نسبت بچهار شعبه و نیم از قریه سولچه بنظر نرسیده. علیه با بررسی محتویات حکم ابطال در خواست ثبت علیجان هیدل جمهوری و خلع ید مشارالیه نسبت بچهار شعبه و نیم از قریه سولچه داده میشود.

رای نسبت بواخواهه خیامی و در مواعد قانونی قابل واخواهی و پژوهش است.

رای دادگاه بخش کردستان - امضاء خیامی - مهر دادگاه بخش کردستان - برابر اصل رسیدگی ماده ۱۵۰ قانون آیین دادرسی در روزنامه کوهستان درج میشود فقط بکسرته و مدت آن ۱۰ روز است .

مدیر دفتر دادگاه بخش کردستان - صالح طاهمانی

آگاهی حصر وراثت

بشاریخ ۱۸ و ۱۲۲۱ - آقای حبیب الله نالی بوکات از طرف آفان گلپیان باستاد يك برك گرامی خواهی و رونوشت شناخته داد خواست شماره ۶۱۷۲۴ هاده باینکه مرحوم بوسل گلپیان دارنده شناسنامه شماره ۳۱۸۹ صادر از کاشان در تاریخ ۲۴ و ۳۱ در طهران جایگاه هیشگی خود وفات یافته و آلبان آفان گلپیان به شناسنامه شماره ۳۱۹۱ از کاشان و موسی گلپیان به شناسنامه شماره ۳۱۷ از کاشان فرزندان ذکور و بانو صارمی گلپیان به شناسنامه شماره ۳۱۹۴ از کاشان هیال دائمی متوفی و بانوان نوشافزین و ملکی جان و ایران دختران متوفی که در زمان حیات پدر بگانه هوهر وقت الله و دوشیزگان قبر بشناسنامه شماره ۳۱۹۰ و خانم شناسنامه شماره ۱۵۵ و عزت بشناسنامه شماره ۱۳۹۴ صادر از کاشان که هنوز شهراختیار نسکرده اند وارث منحصراً میباشد پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب ۳ نوبت متوالی ماهی یکبار در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی و روزنامه کوهستان آگاهی میشود. با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگاهی و نبودن معترض بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیت نامه از متوفی دارد در ظرف مدت مزبور اپرا و الا هر وصیت نامه خبر از رسمی و سری اپرا از خود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود. وگیس شعبه ۴ دادگاه بخش طهران - مهدی شهراذ

# کوهستان

**نتیجه انتخابات انجمن ولایتی سنندج**  
گزارش تکرانی نمایندگان نام کوهستان از سندج حاکی است که هشت نفر نمایندگان انجمن ولایتی سنندج به اکثریت شرح ذیل انتخاب شده اند:

- ۱- آقای رضا آصف
- ۲- حاج سید محمد شیخ لاسلامی
- ۳- عباس آزادپور
- ۴- آیت الله
- ۵- حاج مشیر دیوان
- ۶- ذیل السلطان

اگر شخص با وضع شهرتندج واقف باشد و صورت متعین انجمن ولایتی آنجا را مطابق فهرست فوق ملاحظه نماید بی اختیار خود امیدی در قلب خود احساس نکرده آئینده نسبت به روشنی برای این شهرستان پیش بینی خواهد کرد.

اگرچه حالت مسدود بودن راه و قائلیم نیست گزارش مشروح جریان انتخابات آنجا هنوز بنا نرسیده ولی ملاحظه صورت اسامی منتخبین نشان میدهد که مردم برخلاف معمول در این انتخابات علاقمندانه شرکت جستند و در تعیین نمایندگان خود آزادی عمل داشته اند.

اشخاصیکه به انجمن ولایتی شهر سنندج انتخاب شده اند صوما از اشخاص مورد اعتماد و علاقه مردم بوده و حقا میتوان گفت تجانس هم دارند. و چنین ترکیبی از اشخاص مورد اطمینان مردم حلی پس امیدواری است.

ما نیز به نوبه خود بسیار خوشوقتیم که نام کسانی را بتوان نمایندگان انجمن ولایتی سنندج از نظر خرداندکن میگردانیم که مورد اعتماد خود ما نیز میباشد و میدانیم این اشخاص دلسوز مردم هستند و علاقمندند تا آنجا که مقدور باشد خدمت نمایند.

لذا با اظهار حسن نیت نسبت به منتخبین انجمن ولایتی سنندج امیدواریم بزودی آقایان در حدود اختیارات وسیعی که قانون انجمن های ایالتی ولایتی برای آنان معین نموده برنامه های تهیه و هر چه زود تر دست با اصلاحات اساسی بزنند و نیز لازم میدانیم صوم علاقمندان با اصلاحات کردستان را به همکاری صمیمانه باین نیت دعوت نموده و بیاوریم دیگر تذکره داریم:

حال دیگر وقت آن است که در محیطی صمیمانه همکاری صوم آغاز گردد و هر یک بسهم خود خدمت میدی که میتواند انجام دهند.

از شهره سزوی

## پند و امثال کردی منظوم

پیشینان این که رهش هر رهش  
کسی نوستویی له حق بی به شه  
این دومی کیان کرد به پول باشی  
له میشدا سری دابکی خوی تاهی  
ناجیب هر چند که وردهی مطلقه  
سری علابی ، ژیری مفرقه  
به که ناوبری وبه کورتان ربه  
که وره کارا کاو چونک ژیر شه به  
چونکه گشت له خون نانی هم که وره  
صلوات ادهن هو به ده وره

## « سیاست زبان »

بلیه از صفحه ۱

**کلیه اکراد جهان ایرانی هستند، همه آن ها باید با ما دست بر اداری بدهند، کلیه باید در نوای پرچم ایران بزرگ پر افتخار ترین زندگی را داشته باشیم .**

امروز اکثر میثوبه در بعضی نقاط کردستان ایران مردم طلب خودمختاری هستند، آن ها را منع نمیدانیم، زیرا آن ها از این حاکمیتها بیگانه اند. هر چه بر ما میسر کند کسر پریشان گوش ندهد چه کند؟ تا کی تحمل کند؟ بچه انتظار تحمل کند؟

باین انتظار که یک دانشمند عرض اتمام کند و پیشنهاد نماید چون دولت مقتدری بنام ترکیه در جهان وجود دارد آذربایجان در مدارس ابتدائی ترکی خواهد و چون کرد پشتیبانش دولت قوی کرد نیست دولت در باره آنها بیاسی نمی تواند داشته باشد؟

این پیشنهاد یعنی چه؟ یعنی کردها اگر میل دارند فرزندان آنها در مدارس ابتدائی کردی بخوانند باید بگویند یک دولت قوی کرد پشتیبان شما باشد.

همان دلیل که شمارای مجاز داشتن تحصیل بزرگان ترکی امام میکنند و میگولیم چون زبان رسمی دولتی قوی است همان دلیل خودرد کننده و پیشنهاد شما خواهد بود و سانسور شما هم در مرحدات، برای جلوگیری از ورود کتب و مقالات تبلیغی که بحال ایران مضر باشد بجای نمی آید و دیری نخواهد پاید که همانند پان تورا لیسیم در آذربایجان هم کلر کرده و حمایت و نتیجه آن هم قابل پیش بینی است مخصوصا اگر امثال دولت های گذشته دوره مکرر اس ( زمام مملکت را در دست داشته باشند ، آذربایجان خواهد رفت .

حال بیستم خطر آزادی زبان کردی برای مملکت ما چه خواهد بود؟ چون کردستان مستقل وجود ندارد

تصمیم بزبان کردی خطری برای ایران از لحاظ انتزاع قسطنی از مملکت نخواهد داشت بلکه بالعکس تبلیغ زبان کردی در کردستان ایران باعث خواهد شد که عوام و ناخواه توجه اکراد دیگر جهان بایران جلب شده و اگر این تبلیغ باعث سیاست اصلاح طلبانه ای در آن نواحی شود باشد بعید نیست که مجاهدت در راه ایجاد یک ایران بزرگ بسر حلقه قطعی برسد زیرا اگر ایران بیرونی مندی بوجود آید و دولت مستقل کردستان وجود نداشته باشد قضاوتناهی اکراد جهان زندگی در زیر پرچم ایران بزرگ بیش از قبول تبعیت هر دولت دیگری: ترک یا عرب میباشد

برای اینکه طرف دیگر قنده را هم بررسی کرد، باشیم فرض میکنیم کردستان مستقلی بوجود آید در این حال چون این کردستان دولت جوانی است خواهد ناخواه هم او مصروف تشکیلات و تنظیم نمودن امور داخلی خود خواهد شد و مدتی طول خواهد داشت که دولت بیرونی شده و تلاش حاکم ترکیه را دارا گردد. در کردستان دار این مقدمات ایران بهترین فرصت را برای جلب توجه این دولت جدید داشته و میتواند از آن دولت مانده یک دولت دوست و بیطرفی و هم زاد استفاده کند زیرا معمولی دوستی تاریخی آن وجود چند ملیون کرد در ایران مراتب مودت و تحکیم مینماید بنا بر این کردستان مستقل نیز نه تنها برای ایران مضر نیست بلکه در هر حال مفید است.

بنظر ما موضوع کردستان بسیار مهم است و بسیار بیشتر از آن است که مثلا آقای اقبال تصور فرموده اند ولی چون نظرها رفع شبهه از نگارنده محترم مقاله «سیاست زبان» و خواننده گان آن و نتیجه نمودن دولت بود فلاجه بین منضمتر تذکرات استفتاء نموده ولی در هر موقع که ایجاب نماید از توضیحات بیشتر در این موضوع خودمختاری نخواهیم نمود

## آگهی

صندوق پس انداز ملی مبلغ -/۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال ( یک میلیون و پانصد هزار ریال ) بشوای جایزه بطور قرعه بین دارندگان حساب پس انداز در سال جاری تقسیم مینماید .

**جایزه اول - ۱۰۰۰۰۰۰ ریال ( یکصد هزار ریال ) است**

کسانی که بخواهند از مزایای پس انداز استفاده و در قرعه کشی آن شرکت نمایند بایستی تا قبل از پایان سال در تهران بصندوق پس انداز ملی باباچه های شهری و در شهرها و شهرستانها به شعبه های نمایندگیهای بانک ملی ایران مراجعه و برای خود و فرزندانشان حساب پس انداز باز کنند .

جای اداره : خابان پهلوی شماره نشانی ۴۹ - ۸۵

تلفن ۴۷۸۷

چاپخانه کشاورزی

برای تقاضای اشتراک و معرفی، علاقمندان ساکن گیلان محسوب و اطراف آن میتوانند بنام کوهستان آقای پدافه رضایی کلهر مراجعه نمایند.